

بخش‌هایی از نوار نهاد مردمی - ایمان فروتن

امیرفیض - حقوقدان

باتشکر از جاوید ایران که اینجانب را در جریان نوار نهاد مردمی قرار دادند، اجازه می‌خواهم که به بخش‌هایی از آن نوار با اتفاق رجوع کنیم.

تا آنجا که یادم هست نهاد مردمی نام سازمانی بود که بمدریت آقای احمد زابلی در سال‌های ۱۳۶۷ فعالیت مبارزاتی میکرد و پس از شرفیابی حضور اعلیحضرت جایگاهی در کیهان لندن به او اختصاص داده شد (کیهان لندن ماقبل و بعد از شماره ۲۹۶) و مرتباً مدتها مطالبی درباره لزوم اتحاد و اتفاق کلیه سازمان‌ها مینوشت و شعاروسرفصل نوشته‌هایش این بود که سازمان‌ها هرچه زودتر با انحلال خود به سازمان مردمی احمد زابلی به پیوندند که سنگ‌رهم تحلیلهایی نسبت به اصرارهای او منتشر ساخت. (شماره‌های ۳۳۲+۶۷ و ۳۳۲+۸۰)

وقتی نوار نهاد مردمی را شنیدم اول فکر کردم همان نهاد مردمی احمد زابلی است که پس از فوت و یارفتن او از میدان مبارزه، دیگران آنرا دنبال کرده اند ولی با فراست، که به متن نوار توجه کردم دیدم خیر این یک سازمان جدیدی است به غیر از نهاد مردمی سابق.

گوینده که خود را ایمان فروتن معرفی میکند، اظهاراتی کرد که بخش‌هایی از آن که در رابطه با مبارزه قائم به بحث است با اجازه ایشان به نقد کشیده میشود.

۱- ایشان یعنی آقای ایمان فروتن که خود را رئیس هیئت امنای نهاد مردمی معرفی کردند گزارش دادند که به اتفاق هیئت ۶ نفره متخصص رایزنی، در ملاقات با اعلیحضرت مفتخر به گفتگو شده اند.

سمتهایی که ایشان برای آن ۶ نفر معرفی کردند نشان از وجود یک سازمان سیاسی بسیار وسیع دارای هیئت اجرایی، هیئت امناء، هیئت نظار، مدیر اجرایی، رئیس سابق و جدید هیئت امناء و مدیر آگاهی رسانی و شعبات متعدد است ایشان در مورد یکی از آن ۶ نفر یعنی آقای دکتر آرام حسامی اینطور معرفی کردند: رئیس هیئت امناء، رئیس سابق هیئت امناء و فعال حقوق بشر و خیلی کارها که میکند و بما نمیگوید.

معرفی جالبی است. آقای ایمان فروتن وقتی آقای آرام حسامی را بعنوان رئیس هیئت امناء معرفی کردند فوراً یادشان آمد که چند ثانیه قبل خودشان را بعنوان رئیس هیئت امناء معرفی کرده بودند فوراً یک کلمه سابق به آن اضافه کردند که تصور نشود که هیئت امنای نهاد مردمی دو تارنویس دارد و در موقعیت ریاست آقای فروتن سوء تعبیر بوجود بیاید.

جالب در اظهارات ایشان تاکید بر این نکته بود که این اشخاص یعنی آن ۶ نفر راحتی رضاهلوی هم نمیشناختند و بالطبع از سمتهای آنان نیز آگاه نبودند. البته این خود دلیل بر وجود چنان نهادی وسیع و فراگیر سیاسی است !!

۲- سخنان مهم!!

اولین فرمایشات آقای نهاد مردمی که مرا تکان داد و تکلیف تنظیم این تحریر را محول ساخت این التیماتوم سفت و سخت ایشان است که چنین میباشد:

«من ایمان فروتن از اولین کسانی خواهم بود که اجازه ندم که در راه آزادی ایران هیچ گونه پارتی بازی بشود من بعنوان رئیس هیئت امنای نهاد مردمی خیانت خواهم کرد که نهاد مردمی کاری بکند که طرفداران پادشاهی امتیازی بگیرند و همینطور طرفداران جمهوری»

آقای محترم / فرزند / رئیس هیئت امناء!، در جوامع دمکراسی اجازه را قانون و در جوامع دینی شرع میدهد نه افراد، در جوامع دمکراسی گفته میشود «قانون اجازه نمیدهد و یامیدهد و در جوامع دینی هم گفته میشود به حکم شرع» من

واقعا مانده ام که چطور میشود کسی درخارجه فعالیت سیاسی هم بکند ولی به این ابتدائی ترین مسائل آگاه نباشد و منم بکند، ایشان حتی نسبت به فرزندخودشان هم حاکمیت مطلق ندارند که اجازه بدهند یا ندهند.

این قبیل صحبت کردن و خودراشاخص ساختن و ارباب اجازه معرفی کردن، به دورازادب و اهانت به مردم است تاچه رسد به گفتارسیاسی.

بهلول که اسم او وهب بوده ودرزمان صادق معروف به امام می زیسته کتابی دارد که اشاره ای از آن به درد آقای ایمان فروتن میخورد میگوید:

<بلوغ بر دو نوع است یکی بلوغ اطفال و دیگری بلوغ مردان. بلوغ اطفال عبارت از خارج شدن منی و بلوغ مردان

خارج شدن و بیرون شدن از منی > منیت < است >

شیخ بهانی یک دوبیتی دارد که برای تنبّه آقای فروتن میآورم که معمولا اشعاربیشتر یاد انسان میماند.

ای هست وجود تو زیک قطره منی معلوم نمیشود که تو چند منی
تا چند منی ز خود که گو همچو منی نیکو نبود منی زیک قطره منی

اینهمه غرور، نخوت، خود بزرگ بینی، منیت و قائل شدن حق حکم کردن از سوی کسی که خودرارنیس هیئت امنای نهاد مردمی معرفی میکند از آن حرفهای بی مثال است که معمولا شنوندگان باصدای مخصوصی نسبت به آن عکس العمل نشان میدهند نمیدانم آقای فروتن متوجه مقصودم شدند یاخیر. حیرت است کسی که مدعی است ۱۰ سال است مبارزه میکند و نام سازمانی مردمی راهم یدک میکشد هنوز به ادبیات مردمی ناآگاه است تاچه رسد به ابتدائی ترین اصول دموکراسی.

درسال ۱۳۶۲ اعلیحضرت درپیام ۲۲ بهمن یعنی ۲۸ سال قبل که آقای فروتن شاید خردسالی بیش نبودند به مسئله تبعیض اشاره فرمودند ولی نه باعبارت <من اجازه نخواهم داد> بلکه بامحکوم دانستن تبعیض و رعایت صلاحیت افراد آنها بوسیله نخست وزیروزراء.

۳- جزئیات رانمیفرمایند

ایشان یعنی آقای فروتن به شنوندگان برنامه گفتند که <جزئیات جلسه باحضورشاهزاده رانمیگویم بعدها خواهید فهمید>

اظهارعجیب و غیرقابل انتظاری نیست، حالت منیت، و بیماری خود بزرگ بینی و تفرعن همین است که انسان فقط خود را لایق دانستن میداند نه دیگران را ولی این حالت، وقتی بیماراراضی میکند که مردم راتشنه دانستن بنمایند و بعد امساک خودش را بکارببرد، بعبارت دیگر اول ایجاد ولع خواستن و یاشنیدن و بعد، طرف رامحروم ساختن. این طریق نهایت تامین رضایت یک مستبد خودخواه و حریص دربرتری خواهی است.

درتاریخ اسلام موارد بسیاری ازاین نوع رفتاردریده میشود، ازباب نمونه - پس از دستگیری پسرابوبکر حاکم مصر، او که در نهایت تشنگی بود مقادیری آب درمقابل او آماده کردند و بعد ازآنکه تشنگی او به حد بی تابی رسید آب رادرمقابلش به زمین ریختند و بعد سرش را قطع کردند.

آقای ایمان فروتن محترم، تفرعنی که حضرتعالی بنمایش گذارده اید حکما آنرا به اخلاق فراغنه نسبت داده اند ومعنای آن طغیان کردن بر مردم وزشتی کردن با آنهاست. برترنشان دادن خود رابرمردم ومردم رادرمقابل خود ناچیزویی مقدار حساب کردن است.

درگلستان سعدی بییتی است در ذم تکبرکه برایتان میخوانم.

کسی که تکبر کند باکسان به خواری شود کمتر از ناکسان

من از شما خواهش دارم توجه مرا به بیماری خود بزرگ بینی خودتان در هیئت امنای نهاد مردمی مطرح بفرمائید شاید آنها با این ارادت من هم عقیده گردند و فکری برای هدایت شما بنمایند.

اتفاقاً آخوند منتظری هم همین اخلاق حضرتعالی را داشت و عقیده مند بود که مردم کف هستند ولیاقت دانستن راندارند

پیام خصوصی و محرمانه

پیام خصوصی و محرمانه این جانب زیرگوش شما این است که التیماتومی که حضرتعالی داده اید در سازمان های سیاسی، در صلاحیت رئیس و یا شورای اجرایی سازمان است نه رئیس هیئت امنای (پایان پیام خصوصی)

۴- من ایمان فروتن هنوز تصمیم نگرفته ام

انسان وقتی به بیماری خود بزرگ بینی و تکبر و تفرعن گرفتار شود، کنترل عقل و اندیشه زوال مییابد، و تفرعن و تکبر مجال نمیدهد که شخص متفرعن و متکبر، به آثار سخنش و نتایج آن توجه کند.

و اگر دیگران هم آثار اظهارات و نتایج آنرا برایشان بتصویر و تحلیل بکشند باز هم قدرت بیماری و حاکمیت تکبر مجال توجه به آنرا نخواهد داد.

در گفتارهای پرتغز!! و فراموش نشدنی ایشان نکته ای هست که حیفاست که به اشاره آن نرویم.

گفته اند: خدمت شاهزاده هم گفتم من ایمان فروتن هنوز که هنوز است تصمیم نگرفته ام که طرفدار جمهوری پارلمانی هستم یا طرفدار پادشاهی پارلمانی. من طرفدار آزادی هستم، روزی که در ایران آینده اگر به من حق رای بدهند چون من دارای پاسپورت آمریکایی هستم وقتی که قانون اساسی ایران را به بنیم و بعد از آنکه با مردم صحبت کردم و به بنیم و بخوانم چه خبر است آن موقع، با منطق و فهم و شعور خودم تصمیم خواهم گرفت که به چه نوعی حکومتی رای بدهم <

این فرمایش «من ایمان فروتن» چون واجد ارزش سیاسی و اجتماعی خاصی است! بهتر است قدری روی آن صحبت شود:

الف - بطور قطع در تاریخ سیاسی ایران و دنیا سخنی به این جلفی و بی معنایی و گمراه کننده از هیچ بنده خدانی بغیر از سید احمد مدنی معروف «به کارگذار و یار جان بر کف امام خمینی» (عنوانی که خود احمد مدنی برای خودش انتخاب کرده بود) شنیده نشده است. مفهوم حکم مغرورانه آقای فروتن این است که ایشان بعد از ملاحظه قانون اساسی که برای مردم بتصویب رسیده و بعد از اینکه با مردم درباره آن قانون اساسی صحبت کردند و بعد از اینکه خواندند و فهمیدند که چه خبر است، آنوقت از فهم و شعور خودشان کمک میگیرند و تصمیم میگیرند که به چه نوع حکومتی از بین پادشاهی پارلمانی و یا جمهوری پارلمانی رای بدهند.

آقای رئیس هیئت امنای نهاد مردمی، به این الفبای حقوق سیاسی آگاه نیست که اول نوع رژیم کشور تعیین میشود و بعد قانون اساسی نوشته میگردد نه اینکه بتصور ایشان اول قانون اساسی کشور نوشته میشود و بعد مردم از جمله ایشان به شعور خودشان مراجعه میکنند که به جمهوری پارلمانی و یا سلطنت پارلمانی رای بدهند.

اگر این صیغه استنتاجی آقای فروتن همه گیر و معتبر شناخته شود یعنی همه مردم صبر کنند که بعد از ملاحظه قانون اساسی و صحبت با مردم درباره نوع حکومت از سطنتی و جمهوری تصمیم بگیرند آیا هرگز جامعه سیاسی شکل میگیرد؟ مسلماً خیر زیرا این امر در اصطلاح فلسفی «دور» مینامند (یعنی تحقق و حصول دوا میسر که هر یک متوقع بر امر دیگری باشد و آن محال شناخته میشود).

فکر میکنم که آقای رئیس هیئت امنای نهاد مردمی این فرمایش حکیمانه! خودشان رادرهینت امانا مطرح بفرمایند شاید در آنجا کسی باشد (اگرهینت امنای وجود داشت رئیس آن این چنین بددانشی هاراباغرور کبکبه ودبده برخ نمیکشید واین درس ابتدائی حقوق سیاسی رآموخته بود که اول رای و اظهارنظرنسبت به نوع حکومت است و سپس تنظیم قانون اساسی وشعوریک آدم سیاسی قبل از تنظیم قانون اساسی شعوری است که باید تشخیص خودرادرتنظیم قانون اساسی بکار بندد نه بعداز تنظیم قانون اساسی وبه بینه که چه خبراست این مصداق (لباس بعداز عروسی برای سرمنارخوبست) راشاهد میسازد.

اینکه کسی بعد از تنظیم قانون اساسی وملاحظه اینکه مردم چه میخوانند اظهارنظرنسبت به نوع حکومت از سلطنتی ویاجمهوری بنماید، ذات وشویه مردم فرصت طلب وبی اراده وبی عقیده وسست عنصراست که دراصطلاح منتظرمیماند تا به بینه که قدرت وپیروزی کجاست آنوقت شعورفرصت طلبی وولنگاری او، راهش راتعیین کند، مرحوم سید احمد مدنی کارگزارویارجان برکف امام یکی از همان اشخاصی بود که سابقه اش و اظهاراتش که نزدیک به حکم رئیس امنای نهاد مردمی است درسنگرها بیان شده است.

ملک الشعرای بهادرکتاب تاریخ احزاب سیاسی نمونه های بسیاری ازاین قبیل افراد فرصت طلب ارانه داده است که تاوضعیت روشن نشده موقت خودرامشخص نساخته اند ازجمله سعدالدوله.

۵- اشاره جالبی که درفرمایشات آقای رئیس دیده میشود تابعیت آمریکائی ایشان است البته چنین تابعیتی رابسیاری ازایرانیان دارند ولی موقعیت آقای رئیس هیئت امانا بنابه اظهارخودشان مسئله مهمی است.

اظهارایشان به اینکه «اگرروزی درایران آینده بمن حق رای داده شود» کاشف این برداشت است که ایشان قائل به داشتن حق رای نیست (ازهیچ ایرانی که دارای تابعیت دوگانه است چنین اسقاط حقی شنیده نشده است) محروم بودن از حق رای آنهم باتانید یک ایرانی (صاحب حق رای) نوعی تانید وتسلیم به حجرسیاسی ومحروم بودن از حقوق اجتماعی است، این چنین محجوری که خودش تصدیق دارد که حق رای ندارد چگونه خود رادرمقامی میداند که حکم برای ایرانیان صادرکند؟ واین حضرات ادعائی عضویت درهینت امانا، چه کسانی هستند که یک محجورومحروم ازحقوق سیاسی واجتماعی رابریاست خود پذیرفته اند!

آقای رئیس هیئت امانا! فرق بین انسان وحیوان عقیده سیاسی مشخص وروشن وفاداری به آن وتلاش برای تحقق آن است وانچه که زیربنای عقیده سیاسی شخص رامشخص ومستحکم میکند همان شعوری است که شما به آن استناد کرده اید بنابراین اجازه فرمائید ابتدا تاسف خودراازاین تصریح یادآورشوم که اگرشعور حضرتعالی بعداز اینکه بشما حق رای داده شود وبعد ازاینکه قانون اساسی بتصویب برسد وبعد ازاینکه بامردم صحبت کردید وبعدازاینکه اوضاع واحوال راملاحظه فرمودید آنوقت شعورتان بیدارمیشود، این برداشت محترمانه بوجود میاید که تاآن زمان که محدود هم نیست شعورحضرتعالی خواب ویامست غرور وتکبرومنیت است که تصور نمیکم نام آن شعورباشد